

جرائم و آفات زبان

مسعود عباسی جامد

فحش و حتی ذکر عیوب آشکار می شود.
ناخوشایند گفتن. شامل انواع غیبت، بهتان، تهمت، افک،
((غیبت)) یعنی: ((پشت سر دیگران بدگویی کردن و سخن

که گوشت مردار برادر خود را بخورد؟ [به یقین] همه شما از این کار کراهت دارید. [پس بدانید که غیبت کردن مانند خوردن گوشت مرده برادر دینی است، از آن سخت بپرهیزید].^۵

از این دو آیه استفاده می شود که در غیبت، انگیزه عیبجویی شرط است (غیبت مساوی عیبجویی و هرزه گویی است) در آیه دوم غیبت مساوی خوردن گوشت مردار برادر دینی است. (اوج نفرت و کراهت عمل غیبت).

غیبت مساوی ترور شخصیت دیگران است. گویی غیبت کننده به وسیله غیبت، شخصیت آن ها را له کرده و از صحنه بیرونشان می کند. در اینجا، غیبت کننده با غیبت دو کار انجام می دهد: یکی آنکه دیگری را بی آبرو می کند؛ دوم آنکه بدین وسیله برای خود وجهت و آبرو دست و پا می کند و در حقیقت ترور شخصیت دیگران را مایه حفظ آبروی خود می پندارد و به اصطلاح، شخصیت خود را در گرو مردن دیگران و پایمال کردن آن ها می بیند.

نکته دیگری که از این آیه استفاده می شود، این است که غیبت تنها در مورد مسلمین حرام است؛ زیرا دو عبارت «بعضکم بغضاً» و «لحم اخیه» اشاره به مؤمنان است و غیرمؤمنان را شامل نمی شود. سومین نکته ای که ممکن است از آیه شریفه برداشت شود، آن است که غیبت در صورتی، موضوعیت پیدا می کند که طرف مقابل حضور نداشته باشد، زیرا علاوه بر آنکه لغت غیبت، نشانه عدم حضور است، کلمه «میتا» نیز به این معنی اشاره دارد. چون در این آیه، شخص غیبت شونده (مغتاب) مانند مرده فرض شده است؛ پس همان گونه که شخص مرده، غایب است و نمی تواند از خود دفاع کند او نیز در اثر عدم حضور، قادر به دفاع از آبرو و حیثیت خویش نیست.

نکته چهارم، آن است که همان طور که مرده دیگر زنده نمی شود، آبروی از دست رفته نیز قابل برگشت نیست. چه بسیار از افرادی که آزرده خاطر از دنیا رفتند و دیدارها به قیامت افتاد و آن گاه در پیشگاه خداوند متعال به محاکمه و دادخواهی برخوانند خاست.

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً بصیراً
«خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی ها را اظهار کند، مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد و خداوند شنوا و داناست.»^۶ از این آیات استفاده می شود که خداوند دوست ندارد بدی های دیگران آشکار شود و عیوب آنان فاش گردد و آبروی مردم از بین برود.

پی نوشت ها:

۱. «بهتان» و «تهمت» آن است که برخلاف واقع، چیزی به کسی نسبت داده شود و «افک» به دروغ های فاحش و به قول معروف دروغ های شاخدار و بزرگ می گویند، و در اصطلاح شرع، دروغ بستن به خدا و پیامبر را «افک» گویند. (مانند دروغ - افک - بستن به عایشه همسر پیامبر در سوره مبارکه نور)
۲. نساء - ۳۱ «اگر از گناهان کبیره ای که از آن نهی شده اید، اجتناب کنید؛ گناهان کوچک شما را می پوشانیم و در جایگاهی نیکو واردتان می سازیم.»
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، باب الکبائر، حدیث ۱
۴. همزه: ۱.
۵. حجرات: ۱۲.
۶. نساء: ۱۴۸.

اذیت و آزار شخص گردد، کار خوبی نیست، لکن نه به عنوان غیبت بلکه به عنوان ایداء برادر مؤمن، که برای خود حکم جداگانه ای دارد.

چهار - شخص مورد غیبت مشخص باشد. چه با ذکر نام و سایر مشخصات یا با اشاره و کنایه، به طوری که شنونده طرف را بشناسد، پس، اگر کلی و نامعلوم باشد و یا آنکه شنونده او را نشناسد، غیبت محسوب نمی شود.

پنج - شخص مورد غیبت، مسلمان و برادر دینی انسان باشد. بنابراین، غیبت کافران، مشرکان و ملحدان اشکالی ندارد.

شش - شخص مورد غیبت، متجاهر به فسق نباشد. پس، اگر کسی آشکارا مرتکب گناه می شود، غیبت او جایز است، زیرا چنین شخصی از گناه کردن و گناهکار بودن باکی ندارد و از اینکه مردم رفتار ناشایسته او را بفهمند و ببینند، هراسی به دل راه نمی دهد.

آنچه بیان شد مجموعه قیود و شروط فقها و علمای اخلاق پیرامون چگونگی شکل گیری عمل غیبت می باشد.

غیبت از نظر قرآن کریم:

شکی نیست که غیبت از گناهان کبیره است و مرتکب کبیره، مستحق دوزخ است؛ چنان که در ذیل آیه شریفه: «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلاً کریماً»^۲ امام صادق (ع) فرمود: الکبائر التي اوجب الله عزوجل علیها النار. «گناهان کبیره، گناهانی است که خداوند مجازات آتش برای آن ها مقرر داشته است...»^۳ قرآن کریم در چند مورد به شدت از غیبت نکوهش نموده و از آن نهی کرده است، از جمله: و یل لکل همزه لمزه «وای بر عیب جویان هرزه گو»^۴

... و لا یقتب بعضکم بعضاً یحب احکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرمتموه ... «هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد

پیش از این درباره نعمت بیان، زبان و اعمال وابسته بدان مطالبی را بیان کردیم. در این شماره نیز به یکی دیگر از آفات زبان بار زبان که از گناهان بزرگ به شمار می رود می پردازیم.

«غیبت» یعنی: «پشت سر دیگران بدگویی کردن و سخن ناخوشایند گفتن». این تعریف با شمول و عمومیتی که داراست؛ شامل انواع غیبت، بهتان، تهمت، افک، فحش و حتی ذکر عیوب آشکار می شود و حال آنکه هریک از این ها در اصطلاح، تعریف خاصی داشته و از نظر شرعی دارای احکام ویژه ای است.

غیبت از نظر فقها و علمای اخلاق:

یک - غیبت باید جنبه کشف سر و افشای داشته باشد، یعنی: بازگو کردن عیب ها و گناهان آشکار غیبت نیست و گناه غیبت برآن مترتب نمی شود، هر چند ممکن است از لحاظ توهین و تحقیر یا اشاعه فحشاء ممنوع و حرام بوده و کیفر و عقوبتش با درجه این گناه تناسب نداشته باشد. دو - عیب مذکور دروغ نباشد؛ یعنی صفت مورد غیبت در شخص مورد نظر وجود داشته باشد. پس، اگر واقعیت نداشته باشد تهمت است و گوینده آن به عنوان افترازننده تحت کیفر قرار می گیرد و گناهش از غیبت اصطلاحی بیشتر است.

سه - انگیزه عیبجویی در میان باشد، بنابراین: اگر ذکر عیوب دیگران برای حفظ مصلحت آنان باشد، شرعاً اشکالی ندارد، هر چند طرف مقابل، راضی نباشد. مثلاً: بازگو کردن خصوصیات بیمار نزد پزشک از این قبیل است که مصلحت بیمار در افشای آن است، هر چند ممکن است بیمار در بدو امر از اظهار آن ناراحت شود. همچنین ذکر محاسن و نیکی های اشخاص به عنوان تعریف و تمجید آن ها غیبت نیست، هر چند آن ها از افشای محاسن خود ناراحت شوند.

البته در صورتی که افشای محاسن، موجب